

جاده ابریشم کوچک، پلکانی افسانه‌ای در قلب زاگرس

در فلات مرکزی ایران، پل خداآفرین و جاده دژپارت، ۲ مسیر به‌جامانده از تاریخ است که باعث پیوند جنوب به مرکز ایران بوده است

دیگر به قسمت سخت و صخره‌ای راه رسیده بودیم، او راست می‌گفت؛ روغن واقعا کارساز بود و ما هنوز احساس گرسنگی نمی‌کردیم اما راه دشوار بود و حرکت مان را کند می‌کرد. مسیر با سنگچین‌های خاصی علامت‌گذاری شده بود اما باز هم بدون داشتن راهنما، پیدا کردن راه اصلی ممکن نبود. با اینکه ۲ ساعت پیاده آمده بودیم، اما هنوز خبری از پلکان نبود تا اینکه کمی جلوتر از بالای صخره‌ای بلند، پل خداآفرین دیده شد. با دیدن پل بیشتر ناامید شدیم؛ چون خیلی دورتر از تصورات مان به نظر می‌رسید. از این فاصله قطعا ۲ ساعت دیگر راه مانده بود.

بلوط بساط صبحانه را چیدیم. کتری را پر از آب و آتشی برپا کردیم اما همه حواسمان رفت به سمت صبحانه‌ای خاص که از کیف مجید بیرون آمد. ظرفی روغن مخصوص همراه عسل را گذاشت روی سفره‌ای نخی که مادرش برایش پیچیده بود. نان تیری که مخصوص عشایر ایل بختیاری و بسیار نازک و لذیذ است را داخل روغن زردیم و رویش کمی عسل ریختیم. روغنی خاص و خوشمزه بود؛ طعمی بین کره و روغن حیوانی می‌داد اما باز هم مزه‌اش برایمان جدید بود. مجید می‌گفت این صبحانه مثل سوخت موشک است و با خوردن آن می‌توانید مسیر طولانی تا پل را به راحتی طی کنید.

صبح زود برنامه تغییر کرد و ما از مسیر دیگری راهمان را شروع کردیم و دیگر نیازی به کلک سواری نبود. بدون خوردن صبحانه به سمت جاده ابریشم کوهستانی حرکت کردیم. قصد داشتیم برای حمل بارهایمان قاطر کرایه کنیم که به خاطر قیمت بالای آن منصرف شدیم. ۳ میلیون تومان هزینه رفت و برگشت برای اجاره یک قاطر بود و ما تصمیم گرفتیم برنامه رفتن به روستای گاوشیر را که یک مقصد خاص و جذاب بود، از برنامه مان حذف کنیم و شب به گزستان برگردیم؛ در این صورت کیسه خواب و وسایل دیگر نیازی نبود و کوله بارمان سبک‌تر می‌شد. بعد از گذشتن از میان زمین‌های کشاورزی و زیر خنکای سایه‌سار



پلکان باستانی دژپارت، ارتفاعات زاگرس - روستای گزستان



نمای دور از پل خداآفرین در بین دو کوه

جایی که رانش زمین پل شد

ایل راه‌های عشایری متعددی در استان چهارمحال و بختیاری وجود دارد. یکی از این ایل راه‌های پرخطر و صعب‌العبور، ایل راه خداآفرین در روستای گزستان است. پل خداآفرین، در حقیقت حاصل رانش کوه و ایجاد یک گذرگاه طبیعی روی رودخانه خروشان بازفت است و آب به طرز حیرت‌آوری از زیر سنگ‌های عظیم عبور می‌کند. دقیقا روی پل ایستاده بودیم. سطح پل را خاک شنی و مرغوبی پوشانده که مشخص است با سیلی عظیم از بستر رودخانه شسته شده است. عظمت این پل را تنها از ارتفاع بالا می‌شود دید. وقتی روی آن هستید متوجه زیبایی منحصر به فردش نمی‌شوید. پاهایمان از درد دیگر حرکت نمی‌کرد. ۴ ساعت پیاده روی آن هم از مسیری سنگلاخی و صخره‌ای خیلی خسته مان کرده بود. ساعت ۱۱ صبح بود و به محض رسیدن روی پل، کوله‌هایمان را در آورده و در سایه یک سنگ بزرگ استراحت کردیم. تنها دلخوشی مان بعد از این همه سختی، خوردن ناهاری دلچسب بود تا جانی دوباره بگیریم. مشغول پیدا کردن چوب‌های خشک شدیم تا آتشی روشن کنیم و گوشتی که از روستای کاج خریده بودیم را کباب کنیم. دژپارت یا دژپارت، جاده‌ای پلکانی است که گذشتگان با استیلا بر کوه و سنگ، آن را بنا کردند و معماری جاده‌سازی را نخستین بار در سخت‌ترین تنگه‌ها و دره‌های فلات مرکزی ایران به رخ جهانیان کشیدند. این جاده که به جاده ابریشم کوچک هم معروف است، دوره‌های مختلف تاریخی را به‌خود دیده است و قدیمی‌ترین اثر نزدیک به آن محوطه باستانی، چشمه رباط است که آثاری از دوره پیش از تاریخ هم در آن یافت شده است. از روی پل تا پلکان هم پُر است از سنگ‌های بزرگی که با ریزش کوه پایین آمده‌اند. ابتدای راه باستانی، پلکانی سنگفرش و ادامه مسیر آن شگفتی حفاری روی صخره‌ای یک تکه است که از درونش پلکانی چون مجسمه‌ای زیبا بیرون آمده است که بر اثر رفت و آمد ایل، قسمت‌هایی از آن بسیار صیقلی شده و احتمال داشت که سر بخوریم و باید با احتیاط فراوان بالا می‌رفتیم. در بلندترین نقطه که انتهای پلکان است پل شگفت‌انگیز خداآفرین دیده می‌شد که شاید راه اصلی ابریشم را در دلش پنهان کرده باشد.